

بیدار شو

افتاده وطن بر کف بیگانگان بدخواه      زمین خواب گران تاج تو افتد به ته چاه

بیدار شو ای شاه

از کید "علا" و "علم" و خیل "ایادی"      و آن مادر و آن خواهر زیر مسلک و گمراه

چون آب رود از سرت آنگه شوی آگاه      تقدیر به بندد به رُخت هر در و هر راه

بیدار شو ای شاه

یک مشیت فسونکار دغل باز به دربار      در پیش تو گویند غلامیم و فداکار

اندوخته هر یک ز ستم ثروت سرشار      در پشت سرت با تو عدویند و دگر خواه

بیدار شو ای شاه